

پژوهش در تحول تاریخ نگاری محلی فارس

از سنت به تجدد در نگاهی به آثار العجم

○ آثار العجم

○ تألیف: سید محمد نصیر فرصت الدوله شیرازی

○ به کوشش: علی دهباشی

○ ناشر: یساوی «فرهنگسرا» تهران، چاپ اول،

۱۳۶۲، ۷۲۰ ص.

○ محمدرضا قلی زاده

مقدمه:

قاجارها متأثر از اندیشه‌های نوین غربی با تأسیس مدرسه دارالفنون به مباحث و نشر آثار جغرافیایی و تاریخی توجه ویژه‌ای نشان دادند. در دوره ناصرالدین شاه، تاریخ نویسی محلی و منطقه‌ای برای فارس شکوه و رونقی شایسته گرفت. آثار جعفری نوشته میرزا جعفر خان خورموجی، فارسنامه ناصری به قلم میرزا حسن فسایی، و در نهایت آثار العجم فرصت شیرازی، هر یک به خودی خود آثاری ارزشمند برای پژوهشگران می‌باشند. آثار العجم کتابی است «در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس» به قلم «الحکیم البارع صاحب التصانیف والمآثر النافع محمد نصیر الحسینی فرصت الدوله»^۱ که شرح قابل توجهی از آثار تاریخی، بزرگان، شعرا و عالمان فارس، خاصه شیراز را دربرمی‌گیرد. این کتاب به سال ۱۳۲۵ هـ. ق در بمبئی به طبع رسید و به همان ترتیب با کوشش و مقدمه آقای علی دهباشی در تهران به سال ۱۳۶۲ هـ. ش مجدداً چاپ شد.^۲

در این وجیزه، با سخنی کوتاه پیرامون تاریخ نگاری محلی، ضمن اشاره به تواریخ محلی فارس، بررسی و بازخوانی کتاب آثار العجم از منظر انتقال و تحول در تاریخ نگاری محلی فارس از سنت به تجدد مورد توجه قرار می‌گیرد.

تاریخ نگاری محلی یکی از مهمترین انواع تاریخ نگاری اسلامی است که تا حدود زیادی مولود علاقه مورخان به وطن و زادگاهشان می‌باشد. کلودکاهن در نگارش تواریخ محلی «نیروی حیات و زندگی مستقل شهرها»^۳ را مؤثر دانسته است.

هرچند تاریخ نگاران اسلامی خصوصاً در قرون نخستین اسلامی، همه سرزمینهای اسلامی را وطن بزرگ خویش می‌دانستند اما به هرجهت از یک سو بخاطر دانش و تخصص‌شان راجع به محل و منطقه زندگی‌شان^۴ و از سوی دیگر به جهت «حب وطن» و

آثار العجم

تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس

شال:

تاریخ مشروح بلاد فارس، همانند اسطورات توحش انواع صورت‌های پلاستین مشروح باستانی است و نیست جز جغرافیای همسره محل قرا. جبهات شهرها و جزیره‌های آسایش ساحل. شاهسده قطار کار و انزواء حقایق زندگی مردم شش حال شایخ و کاتبان بزرگان کتب آن مفرود...

بناقص مصنف:

فرستنده: فرصت الدوله محمد نصیر الحسینی فرصت الدوله صاحب کتاب بنام مولف... فرستنده: محمد...

ارژ:

سید محمد نصیر الحسینی، فرصت الدوله

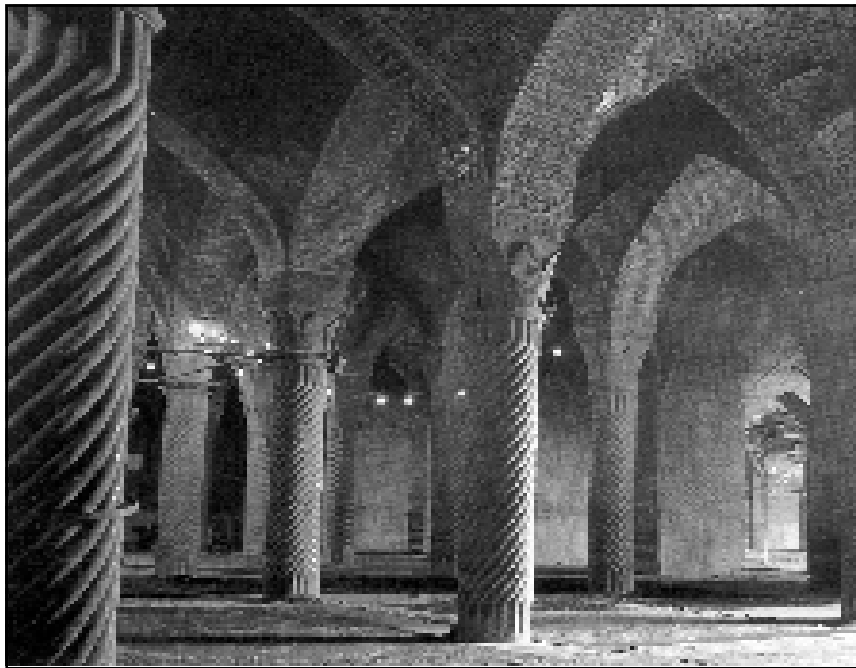
کوشش علی دهباشی

«مفاخره محلی» به نگارش تواریخ محلی و منطقه‌ای روی آوردند. البته نباید از یاد برد که در ابتدا «بخش زیادی از نخستین تواریخ محلی اسلامی از ملاحظات دینی و فقهی نشأت گرفت».^۵

تاریخ نگاری محلی آزادی عمل گسترده‌ای در اختیار تاریخ نگار گذاشت و تنوع شکلی و محتوایی بیشتری از تاریخ نگاری وقایع نگاشتی عرضه کرد. در تواریخ محلی غالباً اطلاعاتی سودمند در باب احوال اجتماعی هر زمان و عصر بدست می‌آید. در پاره‌ای از اینگونه کتب معمولاً سوانح احوال امرا و سلسله‌های محلی را نیز می‌توان یافت. در اینگونه تواریخ غالباً اطلاعات و اخبار مفید و کم‌نظیری که در پاره‌ای از مواقع نیز حاوی قصه‌ها و روایت‌های مبالغه‌آمیز است، یافت می‌شود.^۶ به همین لحاظ در مطالعه تاریخ اجتماعی ایران مطالب ارزشمند فراوانی را می‌توان از تواریخ محلی استخراج کرد. چرا

که تواریخ عمومی و بزرگ وقتی که به مسایل شهرها و شرح زندگی رجال، شیوخ و... مناطق می‌رسند از ادامه مطلب بازمی‌مانند. درباره تاریخ فارس و شیراز کتب و منابع گوناگونی در دست است. فاصله میان تألیف فارسنامه ابن بلخی (حدود اوایل قرن ششم هـ. ق) تا نگارش آثار العجم توسط میرزا نصیر ملقب به فرصت الدوله (۱۳۳۷-۱۳۷۱ هـ. ق) چیزی حدود هشت سده را دربرمی‌گیرد. طی این هشت سده نوشته‌های مختلفی درباره تاریخ و جغرافیای تاریخی فارس خاصه شیراز نگاشته شده است. که بسیاری از آنها را می‌توان به حوزه تاریخ نگاری محلی مربوط دانست. از جمله معروفترین این آثار «کتابهایی چون شیرازنامه نوشته ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی، تألیف شده در نیمه اول قرن هشتم هجری یا مواهب الهی نوشته مولانا معین‌الدین یزدی (متوفی ۷۸۹ هـ. ق) تألیف شده در اواخر قرن هشتم و نیز کتاب شدالازار فی حظ الاوزار عن زوار المزار معروف به مزارات است که توسط معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در سال ۷۹۱ هجری در خصوص قبور بزرگان شیراز به رشته تحریر درآمده است. همچنین از بسیاری از کتابهای تاریخ عمومی و یا سفرنامه‌ها، اخبار فراوانی از تاریخ و جغرافیا و رجال... فارس می‌توان استخراج نمود.»^۷ گذشته از همه اینها اندکی پیش از فرصت شیرازی، فارسنامه ناصری که اثری بسیار مهم در تاریخ و جغرافیای فارس است توسط حاج میرزا حسن فسایی (۱۳۱۶-۱۳۳۷ هـ. ق) به رشته تحریر درآمد.^۸

آثار و منابع ذکر شده، این امکان را برای محققین، و پژوهشگران فراهم آورده که نسبت به مسایل مختلف تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی شیراز آگاهی‌های فراوانی به دست آورند. چنانکه از خلال مطالب بجای مانده از کتب و منابع مختلف که به تاریخ شهر شیراز پرداخته‌اند می‌توان نقشه‌های مربوط به ادوار مختلف تاریخی شیراز را ترسیم کرد و تغییر تحولات شکل شهر و حیات



می نویسد که چاولی در ۵۱۰ درگذشت و از حضور او در فارس به سال ۴۹۳ یاد می کند. این می بایست همان سال یا سال بعدی انتصاب او باشد.^{۳۷} همانگونه که ذکر شد به اعتقاد نیکلسون چاولی باید مابین سالهای ۴۹۲ ه. ق یا ۴۹۳ ه. ق تا سال ۵۱۰ ه. ق حدود هفده الی هجده سال بر فارس حکومت کرده باشد. اما اطلاعات ارائه شده توسط نیکلسون با منبع وی - ابن اثیر - همخوانی ندارد.

ابن اثیر ذیل وقایع سال ۴۹۳ ه. ق هیچ اشاره ای به چاولی ندارد. اما در بحث پیرامون وقایع سال ۴۹۴ از چاولی صحبت کرده و می گوید او حاکم شهرهای مابین رامهرمز و آرژان می باشد.^{۳۸} ابن اثیر در جایی دیگر از کتاب خود آورده است که چاولی حاکم شهرهای مابین خوزستان و فارس بوده^{۳۹} اما هیچ اشاره ای به حکومت او در فارس ندارد. به گفته ابن اثیر در سال ۵۰۰ ه. ق چاولی به حکومت موصل و توابع آن گماشته شد و در تاریخ الکامل، ضمن شرح وقایع سالهای ۵۰۰ ه. ق الی ۵۰۲ ه. ق بارها به نام چاولی و حضور او در درگیریهایی منطقه شام و جزیره اشاره گردیده است.^{۴۰} خلاصه کلام اینکه ادعای حکومت بیست ساله چاولی بر فارس با توجه به مدارک موجود، قابل قبول نمی باشد.

اگرچه در الکامل ابن اثیر که منبع اصلی تاریخی پیرامون زندگی چاولی سقاوه و عملکرد او در فارس می باشد، اشاره ای صریح به سال حضور چاولی در آنجا نگردیده است اما می توان با استفاده از برخی اطلاعات مندرج در همین کتاب سال تقریبی حضور چاولی در فارس را تعیین کرد. به گفته ابن اثیر در زمان اعزام چاولی، از سوی سلطان محمد سلجوقی، به فارس فرزند دوساله سلطان چغری نیز با وی همراه می گردد^{۴۱}، از طرف دیگر ابن اثیر خبر مرگ چغری را در سال ۵۰۹ ه. ق و در سن ۵ سالگی می دهد^{۴۲}. با توجه به آنچه گفته شد سال حضور چاولی به همراه چغری در فارس باید حدود سال ۵۰۶ ه. ق باشد و حدوداً سه سال پس از آن نیز (۵۰۹ ه. ق) چغری درگذشته است. پس مدت حضور چاولی در فارس را می توان حدوداً چهار سال از سال ۵۰۶ ه. ق تا زمان مرگ وی سال ۵۱۰ ه. ق تعیین کرد.

۴ - مصحح محترم کتاب فارسنامه ابن بلخی بخشی از کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی اثر

لسترنج را به کتاب فارسنامه ملحق نموده است.^{۴۳} لسترنج در بحث پیرامون شبانکارگان مدعی گردیده که آنان شیعه اسماعیلی بوده اند.^{۴۴} این گفتار در برخی مقالات نگاشته شده در سالهای اخیر - احتمالاً با عنایت به گفتار لسترنج - تکرار گردیده است.

لازم به تذکر است که هیچ یک از منابع دست اول تاریخی که به بحث پیرامون شبانکارگان پرداخته اند اشاره ای به شیعه یا اسماعیلی بودن آنان نکرده اند. مؤلف کتاب فارسنامه نیز که یکی از اهداف عمده اش در نگارش فارسنامه تعیین وضعیت مذهبی مردم فارس بوده هیچ اشاره ای به این موضوع ندارد. احتمالاً لسترنج دچار اشتباه گردیده و اشتباه وی نیز از آنجا ناشی گردیده که یک طایفه از شبانکارگان عنوان اسماعیلی داشته اند و البته همانگونه که ذکر شد این عنوان هیچ ارتباطی با فرقه اسماعیلیه نداشته بلکه نام یکی از اجداد این طایفه بوده است.

پی نوشت ها:

- ۱ - ابن بلخی: فارسنامه، توضیح و تحشیه منصور رستگارفسائی، شیراز، بنیاد فارس شناسی، شیراز، ۱۳۷۴، صص ۴۸-۴۷.
- ۲ - دفتری، فرهاد: تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، نشر و پژوهش فرزاد، چاپ دوم ۱۳۷۶، صص ۲۴۷-۲۴۶.
- ۳ - برای مثال، ابن اثیر در کتاب خود - الکامل - گرچه شرح عمده ای از زندگانی ابوالکلیجار ارائه نموده اما هیچ اشاره ای به باطنی شدن او نکرده است.
- ۴ - ابن بلخی، پیشین، صص ۲۸۱-۲۸۰.
- ۵ - همان، ص ۲۸۰.
- ۶ - عزالدین علی بن الائیر: تاریخ کامل و بزرگ اسلام و ایران، مترجمان علی هاشمی حائری، ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۴۲.
- ۷ - همان، ص ۲۹۸.
- ۸ - بنداری اصفهانی: زبدة النصرة نخبة العصره، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶، ص ۱۱۳.
- ۹ - همان، ص ۱۰۸.
- ۱۰ - ابن بلخی، ص ۲۷۸.
- ۱۱ - همان، ص ۲۸۰-۲۷۹.
- ۱۲ - نظام الملک، ابوعلی حسن بن علی: سیرالملوک، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ دوم ۱۳۵۶، ص ۱۳۶.
- ۱۳ - بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (ابن فندق): تاریخ بیهقی، با

تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، بی جا، بی تا.

۱۴ - ابن بلخی، پیشین، صص ۳۹۳-۳۸۸.

۱۵ - همان، صص ۳۹۲-۳۹۱.

۱۶ - شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد: مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳؛ نطنزی، معین الدین: منتخب التواریخ، تصحیح ژان اوین، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۳۶.

۱۷ - ابن بلخی، پیشین، ص ۳۸۸.

۱۸ - همان، ص ۳۹۰.

۱۹ - البته و صاف در کتاب خود به فضلیه اشاره نموده اما معتقد

است که فضلیه نیز از خاندان اسماعیل می باشد (تحریر تاریخ و صاف، به قلم عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۲).

۲۰ - برای مثال در کتاب ابن اثیر آمده است که در عهد برکیارق وی تمام سرزمین فارس را به امیران داد اما امیران در نبردی که با شبانکاران داشت از آنان شکست خورد (ص ۲۵۷).

۲۱ - پیرامون سال دقیق حضور چاولی در فارس به قسمت تذکرات شماره ۳ رجوع گردد.

۲۲ - ابن اثیر، پیشین ص ۱۹۵.

۲۳ - همان، ص ۱۹۶.

۲۴ - ابن بلخی، پیشین، ص ۳۹۲.

۲۵ - همان، صص ۳۹۳-۳۹۲.

۲۶ - همان، ص ۳۹۳.

۲۷ - همان، ص ۳۱۴.

۲۸ - ابن اثیر، پیشین، ج ۱۸، صص ۲۰۳-۱۹۹.

۲۹ - ابن بلخی، پیشین، ص ۳۶۳.

۳۰ - همان، ص ۳۶۳.

۳۱ - همان، ص ۳۱۳.

۳۲ - همان، ص ۳۹۵.

۳۳ - همان، ص ۳۹۶.

۳۴ - همان، ص ۳۹۷.

۳۵ - ابن اثیر، پیشین، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

۳۶ - تحریر تاریخ و صاف، پیشین، ص ۲۲۲، ابن اثیر، پیشین، ج ۱۸، صص ۱۹۹-۱۹۸.

۳۷ - ابن بلخی، پیشین، مقدمه نیکلسن، ص ۲۲ حاشیه ۱.

۳۸ - ابن اثیر، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۹۴.

۳۹ - همان، ج ۱۸، ص ۱۷.

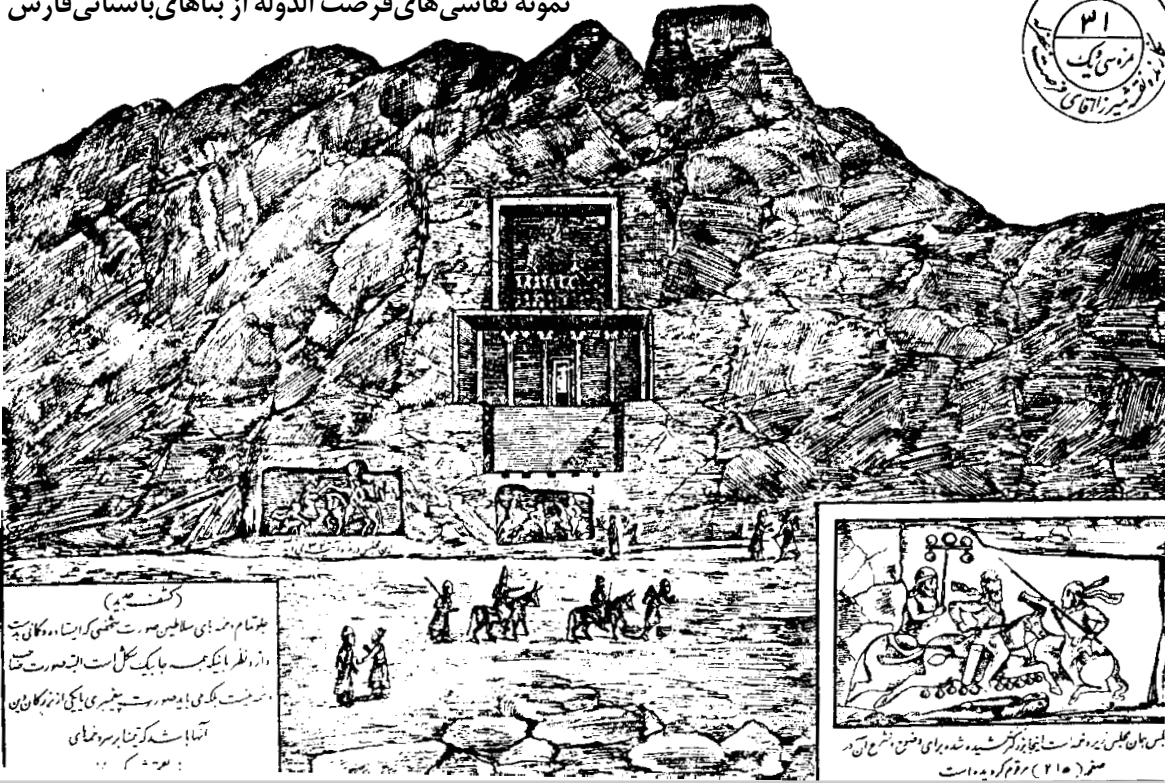
۴۰ - همان، صص ۱۱۹-۱۱۷.

۴۱ - همان، ص ۱۹۶.

۴۲ - همان، ص ۲۰۴.

۴۳ - لسترنج: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۷، صص ۳۳۲-۳۰۹.

۴۴ - همان، ص ۳۰۹.

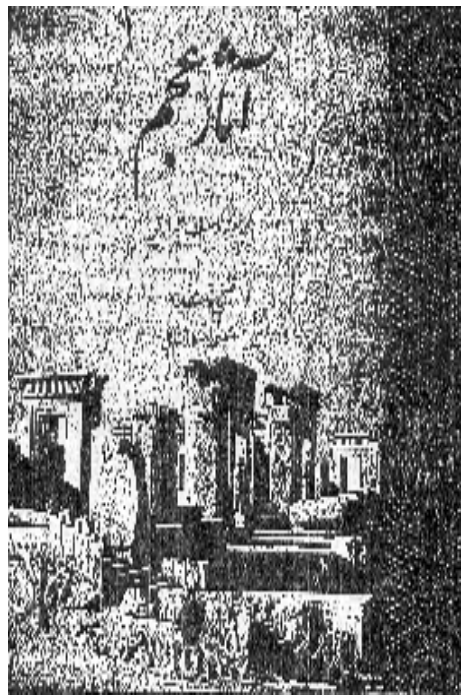


در این مقاله،
با سخنی کوتاه
پیرامون
تاریخ‌نگاری محلی،
ضمن اشاره به تواریخ
محلی فارس
بررسی و بازخوانی
کتاب آثارالعجم
از منظر انتقال و تحول
در تاریخ‌نگاری محلی
فارس از سنت
به تجدید
مورد توجه قرار
می‌گیرد

مختلفه و ذکر احوال بعضی از حکما و علما و عرفا و فصحا و ادبای متقدمین و متأخرین و غیرذالک از مطالبی که در فهرست اول کتاب نگاشته گردیده»^{۱۲} است.

گونه‌گونی موضوعی و تنوع مطالب آثارالعجم پیش و بیش از هر چیز، متأثر از نوع و سطح آموخته‌های مؤلفش است. فرصت‌شیرازی علاوه بر تحصیل و تسلط بر علوم قدیمه چون منطق، حکمت، صرف و نحو و اسطرلاب و هیأت و هندسه، به دلیل مطالعه و تسلط کامل به زبان انگلیسی و ارتباط با علمای نوگرایی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، آگاهی‌های فراوانی پیرامون علوم جدید چون هیأت و جغرافیای جدید و دانش زبان‌شناسی و کشف رموز خط میخی کسب کرده بود.^{۱۵} آگاهی‌ها و دانش‌های فوق سبب شد که آثارالعجم از یک سو متأثر از بافت فکری و اندیشه سنتی مؤلفش باشد و از سوی دیگر از شیوه‌های نوین تحقیق و پژوهش - که از سوی محققین و مستشرقین غربی ترویج و اعمال می‌شد - دور نماند. به عبارت دیگر فرصت در آثارالعجم دوره انتقال و تحول تاریخ‌نگاری و شیوه نگارش را تجربه می‌کند. بدین ترتیب که در تاریخ‌نگاری سنتی میل به تجدید و سود جستن از دانش‌ها و علوم جدید کرده و علاوه بر استفاده از مطالعات مستشرقین راجع به تاریخ و زبان ایران باستان؛ ساده‌نویسی را نیز مورد اهتمام جدی قرار داده و «چشم از عبارت‌پردازی پوشیده چرا که اولی و انسب آنست که در این کتاب عبارات روان خالی از اطناب و تعقید ذکر شود و از عبارت‌پردازی چشم‌پوشی شود.»^{۱۶}

بسیاری را اعتقاد بر این است که هر اثری محصول شرایط زمان و متأثر از بافت فکری و اندیشه صاحب اثر می‌باشد. آثارالعجم نیز که درست در زمانه اوج‌گیری نفوذ دانش غربی و گسترش اندیشه تجدید در سالهای



آثار عجم هرچند تشابهاتی با سفرنامه‌ها دارد، اما صرفاً سفرنامه نیست. چنانکه گاه از آن تحت عنوان «منبع مهم جغرافیای تاریخی» هم یاد می‌شود. به هر روی این اثر کتابی است جنگ‌مانند که جنبه‌های تاریخی و سفرنامه‌ئی در آن برتری دارد، هر چند [فرصت] از علوم زمان خویش، از تحقیق، انساب و دواوین شعرا هم گلچین‌هایی ارائه داده است.»^{۱۳} او خود در صفحه پایانی کتابش می‌گوید آثار عجم «مشمول بر تفضیل و تحقیق اماکن قدیمه و عمارات عتیقه سلطین ایران و غیره و دیگر آثار ایشان [است]... و شرح آنها را نگاشته‌ام مع مطالب دیگر از تحقیقات علیه و عملیه و بیان السنه

اجتماعی آنرا از ابتدا، خصوصاً از عصر آل‌بویه تا دوره قاجاریه و امروز به خوبی ترسیم نمود، مورد بررسی و پژوهش قرار داد. مرحوم کرامت‌الله افسر با تکیه بر آثار فوق بود که توانست تاریخ بافت قدیس شیراز^۹ را تألیف کند.

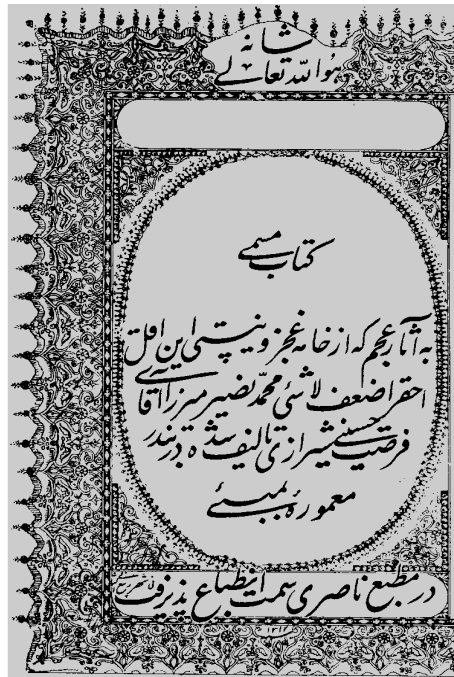
مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در بحثی پیرامون «ملاحظات کلی در باب مأخذ» تاریخ ایران بعد از اسلام، آثارالعجم تألیف میرزاآقا متخلص به فرصت را مربوط به تاریخ‌های محلی دانسته که مطالعه آن می‌تواند «مفید و مهم» باشد.^{۱۰} چیزی که بیش از دیگر منابع بجای مانده، آثارالعجم را از تواریخ محلی متمایز می‌کند - به جز آنچه که مربوط به زمانه و سبک تألیف کتاب فوق است - تصاویر و نقاشی‌های آن از آثار و ابنیه تاریخی فارس است. سبک کار و بهره‌گیری فرصت‌الدوله از زبان تصویر یادآور آثاری چون سفرنامه مادام دیولافوا^{۱۱} است که در آن نقاشی‌های فراوانی از نقوش برجسته و آثار باستانی و پوشش مردم، خصوصاً مردم نواحی جنوبی ایران و خوزستان آورده است. شاید به همین لحاظ است که از فرصت به عنوان «اولین باستان‌شناس ایرانی»^{۱۲} یاد می‌شود. البته باید توجه داشت که فرصت شیرازی برخلاف سفرنامه‌نویسانی چون مادام دیولافوای فرانسوی در تدوین اثر خود توجهی به بررسی اوضاع و احوال و آداب و رسوم روزمره مردم نداشته است. گویا او بیش از توجه و علاقه به مسایل مردم‌شناسی به بررسی مسایل تاریخی دلبستگی داشته است. لازم به تذکر است که هرچند توجه و کاوش در آثار بجای مانده از اقوام پیشین همیشه نزد فرهنگ‌های مختلف وجود داشته؛ اما «باستان‌شناسی» و گردآوری و مطالعه علمی در آثار و ابنیه بجا مانده از اقوام گذشته دستاورد تمدن بورژوازی غرب در عصر تجدید بود.



این کتاب در سال
۱۳۲۵ هـ. ق در بمبئی
به طبع رسید و به
همان ترتیب،
با کوشش و مقدمه
آقای علی دهباشی
در سال ۱۳۶۲ در
تهران مجدداً
چاپ شد

کتاب آثارالعجم شامل «دو جزء»^{۲۳} می‌باشد. که جزء اول آن پیرو «دستورالعملی»^{۲۴} که از سوی «یکی از صاحبان دولت بهیمة انگلیس بتوسط شخصی از پاریس»^{۲۵} برای نقشه‌برداری از «بعضی آثار قدیمه فارس»^{۲۶} به فرصت داده شده بود به رشته تحریر و تصویر درآمده است. به رغم اینکه فرصت «این خدمت مرجوعه»^{۲۷} را به انجام رسانید اثر او بنا به عللی طبع نشد و موجب افسوس وی شد تا اینکه به سال ۱۳۱۰ هـ. ق یعنی «سال چهل و ششم قمری از جلوس... سلطان ناصرالدین [شاه قاجار] آقای حسینعلی خان نظام‌السلطنه صاحب اختیار و حکمران مملکت فارس... فرمودند امکانه بسیار نیز در فارس هست که هنوز قدمی در آنها نگذاشته و نقشه برداشته باید آنها را هم همتی گماشته رفته نقشه برداشته... آنها را بنقشهای سابقه ضم کنی تا کتابی گردد جامع.»^{۲۸}

همانطور که ملاحظه شد فکر اولیه نگارش و تهیه کتاب متأثر و ناشی از تلقین و سفارش پرچمداران فرهنگ تجدد در جنوب ایران بود. آشنایی فرصت با مسایل تاریخی و زبانشناسی و خطوط ایران باستان نیز با مطالعه آثار و معاضدت «اهل یورپ»^{۲۹} شکل می‌گیرد. تأثیرپذیری و نفوذ فرهنگ تجدد از همان آغاز نگارش کتاب یعنی «مطابق یکهزار و هشتصد و هشتاد و نه مسیحی»^{۳۰} چهره می‌نمایند. تا به آنجا که فرصت صفحاتی را به «اداره جات خارجه شیراز»^{۳۱} چون بانک، تلگرافخانه و کمپانی خلیج فارس (پرشن گلف) اختصاص داده و راجع به فعالیت شرکت‌های تجاری غربی و کنسولگری‌های آنها در شیراز و نواحی جنوبی ایران مطالبی را متذکر می‌شود. همچنین در حواشی صفحات مورد بحث به معانی پاره‌ای از موسسات و واژگان خارجی که ایرانیان کمتر با آنها آشنا بودند



مردودت مراجعت نمودم جد و جهدی تمام در یافتن خط میخی مرعی داشتم در سدد آن برآمدم که از خط پهلوی نیز فی‌الجملة اصطلاحی! [= اطلاعی] بدست آرم و همچنین از ترجمه آن خطوط پهلوی که منقوش برآن احجار است آگاهی حاصل نمایم قضا را بتوسط دوستی به شخصی از اهل یورپ (مستر بلگمن) نام آشنائی بهم رسانیده کتابی از آن بدست آوردم و چون از خواندن خط پهلوی ربطی داشت در نزد وی قدری از آن خط بهره گرفتم و ضمناً هم بخط یونانی پی بردم و قدری از ترجمه خطوط پهلوی منقوره بر احجار مذکوره یافتم.»^{۳۲}

نزدیک به وقوع انقلاب مشروطه، به قلم کسی که نسبت به دانش و فرهنگ غرب ناآگاه نیست به رشته تحریر درآمده؛ نمی‌تواند از این قاعده مستثنی شود. بر همین اساس است که فرصت به پیروی از روش‌های جدید تحقیق و پژوهش ضمن افزودن فهرست مطالب در ابتدای اثر خود «مقدمه [ای می‌آورد] تا در مطالب آتیه بکار آید و رفع ابهام را از بعضی تقریرات که بعد از این خواهد آمد بنماید.»^{۳۳} پس در مقدمه با ارائه تعریفی از کشور ایران و پارس مشخص می‌کند که «در این زمان همه ایران را پارس خوانند بلکه پارس عبارتست از شیراز و کازرون و فیروزآباد و داراب جرد و فسا و نیریز و سروستان و خفر و کوار و جهرم و مردودشت و شبانکاره و غیرذلک»^{۳۴}.

فرصت الدوله شیرازی، همچنین از تحقیقات و مطالعات جدید درباره آثار و خطوط ایران باستان، خصوصاً آثار تاریخی سرزمین پارس اطلاعات و آگاهی‌های جامعی داشته است. او به دنبال بحثی درباره زبان فرس قدیم و خطوط میخی و پهلوی به تحقیقات زبان‌شناس معروف «اشپیگل... که از اهل جرمن»^{۳۵} بود، اشاره می‌کند و با استناد به مطالعات «اشپیگل حکیم»^{۳۶} راجع به کشف رمز و آموزش خطوط میخی و پهلوی مطالبی را ذکر می‌کند. او در مورد چگونگی آشنایی‌اش با خطوط میخی و پهلوی می‌گوید: «در بلوک مردودت قریب تخت جمشید جایی است که آن را نقش رستم نامند همچنین جایی دیگر که آنرا نقش رجب خوانند که بیان آنها خواهد آمد در آنجاها بعضی از خطوط پهلوی منقوش بر سنگ است مثل خطوط در شاپور کازرون که آنها هم پهلوی است زمانی که آن خطوط پهلوی را دیدم افسوس میداشتم از اینکه ترجمه آن خطوط را نمی‌دانم مثل افسوسی که مرا در خط میخی بود بعد از اینکه از سفر

از خلال مطالب بجای مانده از کتب و منابع مختلف که به تاریخ شهر شیراز پرداخته‌اند می‌توان نقشه‌های مربوط به ادوار مختلف تاریخی شیراز را ترسیم کرد و تغییر و تحولات شکل شهر و حیات اجتماعی آن را از ابتدا، خصوصاً از عصر آل بویه تا دوره قاجاریه و امروز به خوبی ترسیم نمود و مورد بررسی و پژوهش قرار داد

می‌پردازد. برای مثال «بانک BANK» را «صرافخانه» معنا کرده و «اتازونی» را لغتی فرانسوی دانسته و آنرا «ممالک متحده» معنی می‌کند. و یا در مورد «پرشن گلف» آورده است «پرشن یعنی پارس و گلف یعنی خلیج»^{۳۱}

به هر روی در زمان حیات فرصت، چاپ سنگی آثار عجم در مطبع نادری بندر بمبئی هند به انجام رسید. (ربیع‌الثانی سال ۱۳۵۳ ه. ق) قطع کتاب، بزرگتر از وزیری و نزدیکتر به قطع رحلی است. (۲۱/۵۸۲۷/۵) صفحات نسخه فوق کادربندی شده و با خط نستعلیق استادانه، اما نه هنرمندانه نوشته شده است.^{۳۲} ظاهراً آثارالعجم از جمله نخستین آثار چاپی در تاریخ محلی فارس بوده است. استفاده از صنعت چاپ بعنوان ملاک و معیار اندازه‌گیری تحول و حرکت جامعه از سنت به سمت تجدد مطرح شده است.

آشنایی، تأثیرپذیری و علاقه فرصت شیرازی نسبت به اندیشه و مظاهر تجدد، زمینه‌ای شد برای خدمات سیاسی و فرهنگی او در ادارات و سازمان‌هایی که براساس اندیشه تجدد پس از مشروطیت شکل گرفتند. «ریاست معارف فارس» در «سازمان جدید وزارت معارف»، رئیس عدلیه فارس و بالاخره برعهده گرفتن «هر دو شغل فرهنگ و دادگستری» به او این امکان را بخشید تا در خدمت به فارس تلاشی مضاعف داشته باشد.^{۳۳}

در جمع‌بندی نهایی باید گفت: فرصت نخستین تاریخ‌نگاری متجدد فارس بود که آخرین روزهای حیات بافت سنتی و محلات قدیم شیراز را مشاهده کرد و پیرامون ابنیه‌ای چون کاروان‌سراها، بازارها، حمام‌ها، محلات قدیم شهر، میادین و باغ‌های شیراز مطالبی را به رشته تحریر درآورد؛ چرا که پس از او بافت قدیمی و سنتی شیراز در زمان پهلوی اول به واسطه خیابان‌های عریض و طویل و بناهای جدید تغییر اساسی یافت. و بسیاری از بناها و باغ‌ها و میادینی که فرصت آنها را نام برده از میان رفتند. جای بسی تأسف و تعجب است که فرصت از مناظر و بناهای شیراز تصویر و نقاشی قلمی نکرده است. گویا در جزء دوم کار او، به این مهم کمتر توجه شده است.

با سپری شدن ایام بزرگانی چون فرصت، مسیری که در تحقیق و تألیف پیرامون تاریخ محلی فارس خاصه شیراز باز شده بود؛ توسط نسل بعدی فارس‌شناسان پیگیری شده، تکامل یافت. این دسته از پژوهشگران علاوه بر استفاده فراوان از مطالب و آثار و منابعی که

پیش از این ذکر آنها گذشت، از سبک و سیاق کار فرصت نیز در بیان ویژگیهای فارس و شیراز تأثیر پذیرفته و الگو گرفتند.

«یارب به احمد و علی اهل بیت او

بگذر ز فرصت آنچه از او دیده‌ای خطا»^{۳۴}

پانویست‌ها:

۱ - عناوین ذکر شده برگرفته از روی سنگ مقبره مرحوم فرصت شیرازی در آرامگاه حافظ است. جهت اطلاع ر. ک به: بهروزی، علی نقی: بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز از دوره هخامنشیان تا عصر پهلوی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، شیراز، ۱۳۳۹، صص ۸۸-۸۷.

۲ - فرصت‌الدوله، سیدمحمدنصیر حسینی: آثارالعجم، به کوشش علی دهباشی، انتشارات یساولی «فرهنگسرا»، تهران، ۱۳۶۲. گفتنی است کتاب «آثار عجم» در سال ۱۳۷۷ به تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، در ۲ جلد از سوی انتشارات امیرکبیر به چاپ رسید. اما مقاله حاضر براساس چاپ انتشارات یساولی در سال ۱۳۶۲ تألیف گشته است.

۳ - باسورث، ادموند کلیفورد: تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، جلد اول و دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، صص ۱۰.

۴ - آئینه‌وند، صادق: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، مجلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷، صص ۱۵۴-۱۵۳.

۵ - روزنتال، فرانتس: تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، جلد اول، انتشارات آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۵، صص ۱۷۳.

۶ - زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹، صص ۵۸.

۷ - خیراندیش، عبدالرسول: «فارسنامه ناصری و مسأله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۹، دی ماه ۱۳۷۹، صص ۱۵.

۸ - جهت آگاهی درباره این کتاب ر. ک به: پیشین.

۹ - رک به: افسر، کرامت‌اله: تاریخ بافت قدیمی شیراز، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۳.

۱۰ - زرین کوب، پیشین، صص ۶۶.

۱۱ - ر. ک به: دیولافوا، ژان پل هریت: سفرنامه خاطرات کاوشهای باستانشناسی شوش، ۱۸۸۴-۱۸۸۶، ترجمه ایرج فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵.

۱۲ - مقدمه آثارالعجم به قلم علی دهباشی، صص ۱۴.

۱۳ - همان.

۱۴ - فرصت‌الدوله، پیشین، صص ۶۰۴.

۱۵ - جهت آگاهی از شرح حال و آثار فرصت شیرازی ر.

ک به: مطالب مقدمه آثارالعجم به قلم آقای علی دهباشی؛ همچنین آقای علی نقی وزیری در این مورد آورده: «میرزا محمدنصیرالحسین ملقب به «فرصت‌الدوله» و مشهور به «میرزاآقا» و متخلص به فرصت در سال ۱۲۷۱ ه. ق در شیراز متولد شد و علوم ادبی و عربی، منطق و حکمت، فنون شعر و نقاشی را نزد اساتید بزرگ تحصیل کرد بطوریکه در تمام آنها به مقام استادی رسید. آن مرحوم کتب متعددی را تألیف کرده است که مهمترین آنها عبارتند از ۱ - بحورالاحسان در عروض ۲ - اشکال‌المیزان در منطق ۳ - دره نجفی در علوم ادبی ۴ - دبستان‌الفرصة شامل شرح حال و دیوان او ۵ - آثارالعجم در شرح آثار تاریخی فارس ۶ - مقالات علمی و سیاسی آن مرحوم ۷ - دریای کبیر شامل علوم و فنون مختلفه.

فرصت‌الدوله از فضلاء و شعرا و هنرمندان معروف قرن اخیر شیراز است که جامع فضائل و کمالات بسیاری بوده است. آن مرحوم شاعر و نویسنده، مولف و نقاش ماهری بوده و به آثار باستانی آشنائی کامل داشته و خواندن خط میخی را نیکو می‌دانسته است. آن مرحوم در سال ۱۳۳۹ ه. ق در شیراز وفات یافت و در جوار قبر حافظ مدفون شد. ر. ک به: بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، صص ۱۱.

۱۶ - فرصت‌الدوله، پیشین، صص ۸.

۱۷ - همان، صص ۹.

۱۸ - همان.

۱۹ - همان، صص ۱۴۳.

۲۰ - همان، صص ۱۴۴.

۲۱ - همان، صص ۱۴۹-۱۴۸.

۲۲ - همان، صص ۶۰۴.

۲۳ - همان، صص ۳.

۲۴ - همان، صص ۲.

۲۵ - همان، صص ۳.

۲۶ - همان.

۲۷ - همان، صص ۴-۳.

۲۸ - همان، صص ۱۴۹.

۲۹ - همان، صص ۱۰.

۳۰ - همان، صص ۵۳۸.

۳۱ - همان.

۳۲ - مقدمه بر آثارالعجم، صص ۱۳.

۳۳ - همان، صص ۱۱.

۳۴ - این شعر بر روی سنگ قبر فرصت که در زمان حیاتش ساخته شده نقر گردیده است. ر. ک به: بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، صص ۸۸.